به نام خدا

روش تدریس هنر در دوره ابتدایی

مولف :

زینب کیانی ده کیان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران – ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : کیانی ده کیان ، زینب ، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآورنده: روش تدریس هنر در دوره ابتدایی/ مولف: زینب کیانی ده کیان
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری :۹۸ ص.
شابک : ۲-۹۸۱-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : روش تدریس هنر
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۹۵۱۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : روش تدریس هنر در دوره ابتدایی
مولف: زینب کیانی ده کیان
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول ــ ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۲۰۰۰۰۰تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
https//:chaponashr.ir/ketabresan
شابک : ۲-۹۸۱-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir

فهرست

تقدیم به 7
پیشگفتار 9
مقدمه 11
فصل اول 15
مبانی نظری و اصول آموزش هنر در دوره ابتدایی 15
مفهوم، اهداف و اهمیت آموزش هنر در فرایند یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی 18
نقش هنر در پرورش خلاقیت، تخیل و توانایی‌های ذهنی کودکان 21
ویژگی‌های رشد هنری، شناختی، عاطفی و حرکتی دانش‌آموزان دوره ابتدایی 25
اصول و مبانی روان‌شناختی و تربیتی در آموزش هنر به کودکان 28
فصل دوم 33
روش‌ها و الگوهای نوین تدریس هنر در دوره ابتدایی 33
روش‌های فعال و مشارکتی در آموزش هنر و نقش آن‌ها در یادگیری دانش‌آموزان 36
آموزش هنر مبتنی بر بازی، تجربه و فعالیت‌های اکتشافی 39
روش‌های تدریس نقاشی، طراحی، رنگ‌شناسی و کاردستی در مدارس ابتدایی 43
نقش معلم در هدایت، تشویق و تقویت خلاقیت هنری دانش‌آموزان 46
فصل سوم 51
طراحی و اجرای فعالیت‌های آموزشی هنر در مدارس ابتدایی 51
برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین طرح درس متناسب با اهداف آموزش هنر 55
انتخاب ابزارها، مواد و امکانات مناسب برای فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان 58
طراحی فعالیت‌های فردی و گروهی با تأکید بر تجربه‌آموزی و یادگیری خلاق 62
ایجاد محیط یادگیری پویا، جذاب و انگیزه‌بخش برای آموزش هنر 66
فصل چهارم 71
ارزشیابی، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده آموزش هنر 71

اصول و روش‌های ارزشیابی پیشرفت هنری و خلاقیت دانش‌آموزان 76
شناسایی تفاوت‌های فردی و حمایت از استعدادها و توانایی‌های هنری کودکان..... 80
چالش‌ها و موانع آموزش هنر در مدارس ابتدایی و راهکارهای بهبود آن 83
راهبردهای ارتقای کیفیت آموزش هنر و نقش آن در تربیت نسل خلاق و توانمند 88
نتیجه‌گیری 93
منابع 97

با سپاس از

مادر گرانقدر و مهربانم که اولین و مهمترین راهنمای زندگی ام بوده و همسر عزیزم که در تمام سختی‌ها یار و همراهم بوده و هست.

تقدیم به

فرزندان خوبم ماهان و مهسان

و تمام فرزندان کشور عزیزمان ایران

باشد که علم و هنر و آگاهی چراغ راهتان باشد.

پیشگفتار

هنر یکی از مهم‌ترین ابزارهای پرورش اندیشه، خلاقیت و توانایی‌های فردی در دوران کودکی است و نقش ارزشمندی در شکل‌گیری شخصیت، رشد ذهنی و تقویت مهارت‌های گوناگون دانش‌آموزان دارد. دوره ابتدایی از حساس‌ترین مراحل زندگی آموزشی کودکان به شمار می‌رود؛ زیرا در این دوران، پایه‌های اصلی یادگیری، تفکر، تخیل، اعتمادبه‌نفس و توانایی برقراری ارتباط با محیط پیرامون شکل می‌گیرد. آموزش هنر در این دوره تنها به معنای آشنایی دانش‌آموزان با نقاشی، رنگ‌آمیزی، کاردستی و فعالیت‌های دستی نیست، بلکه فرصتی فراهم می‌کند تا کودکان احساسات، افکار، تجربه‌ها و برداشت‌های خود را به شیوه‌های گوناگون بیان کنند و استعدادهای نهفته خود را بشناسند.تدریس هنر در مدارس ابتدایی نیازمند شناخت دقیق ویژگی‌های سنی، روحی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان است. معلم باید بتواند با انتخاب روش‌های مناسب آموزشی، محیطی سرشار از نشاط، آزادی اندیشه و فرصت تجربه‌آموزی ایجاد کند تا دانش‌آموزان بدون ترس از اشتباه کردن، به کشف توانایی‌های خود بپردازند. در چنین فضایی، هنر به فعالیتی لذت‌بخش و معنادار تبدیل می‌شود که علاوه بر تقویت مهارت‌های عملی، زمینه رشد تفکر خلاق، قدرت تصمیم‌گیری، دقت، تمرکز و توانایی حل مسئله را نیز فراهم می‌آورد. توجه به تفاوت‌های فردی کودکان و پرهیز از مقایسه آثار هنری آنان از اصول مهمی است که باید در فرایند آموزش مورد توجه قرار گیرد.

کتاب حاضر با هدف تبیین اصول، روش‌ها و شیوه‌های کاربردی تدریس هنر در دوره ابتدایی تدوین شده است و تلاش دارد اهمیت آموزش هنر را از جنبه‌های تربیتی، روان‌شناختی و آموزشی مورد بررسی قرار دهد. در این اثر، ضمن پرداختن به مبانی نظری آموزش هنر، روش‌های فعال و مشارکتی، فعالیت‌های خلاقانه، شیوه‌های طراحی و اجرای برنامه‌های هنری و راهکارهای مناسب برای ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین نقش معلم در شناسایی استعدادهای هنری کودکان، فراهم کردن امکانات آموزشی مناسب و ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت همه دانش‌آموزان بررسی می‌شود.

امید است مطالب این کتاب بتواند راهنمایی سودمند برای معلمان، دانشجویان رشته علوم تربیتی، کارشناسان آموزشی و علاقه‌مندان به حوزه آموزش هنر باشد و با ارائه دیدگاه‌ها و راهکارهای مناسب،

زمینه ارتقای کیفیت تدریس هنر در مدارس ابتدایی را فراهم سازد. باور داریم که توجه هدفمند به آموزش هنر، نه‌تنها به پرورش دانش‌آموزانی خلاق و توانمند کمک می‌کند، بلکه در تربیت نسلی اندیشمند، نوآور، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از نگرشی زیباشناسانه نسبت به زندگی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

مقدمه

آموزش هنر یکی از بخش‌های اساسی و تأثیرگذار در نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌رود که نقش مهمی در رشد همه‌جانبه کودکان و پرورش استعدادهای فردی و اجتماعی آنان ایفا می‌کند. دوران ابتدایی از مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری شخصیت انسان است؛ زیرا کودکان در این دوره علاوه بر فراگیری مهارت‌های پایه مانند خواندن، نوشتن و محاسبه، به فرصت‌هایی نیاز دارند که بتوانند توانایی‌های ذهنی، عاطفی، حرکتی و خلاقانه خود را گسترش دهند. هنر با فراهم کردن زمینه‌ای مناسب برای تجربه، مشاهده، تفکر و آفرینش، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا جهان پیرامون خود را بهتر بشناسند و برداشت‌های شخصی خود را به شیوه‌های گوناگون بیان کنند. به همین دلیل، آموزش هنر نباید به عنوان فعالیتی فرعی و کم‌اهمیت در برنامه درسی مدارس ابتدایی در نظر گرفته شود، بلکه باید جایگاهی مشخص و هدفمند در فرایند یادگیری و تربیت دانش‌آموزان داشته باشد.هنر در زندگی کودکان تنها به تولید آثار نقاشی یا ساخت وسایل دستی محدود نمی‌شود، بلکه ابزاری ارزشمند برای شناخت محیط، بیان احساسات، تقویت قدرت تخیل و پرورش اندیشه‌های نو به شمار می‌رود. هنگامی که دانش‌آموزان با رنگ‌ها، شکل‌ها، خطوط، صداها، حرکت‌ها و مواد گوناگون هنری آشنا می‌شوند، فرصت پیدا می‌کنند تا تجربه‌های خود را به شکلی متفاوت بازآفرینی کنند و میان آموخته‌های ذهنی و فعالیت‌های عملی ارتباط برقرار سازند. چنین فعالیت‌هایی موجب افزایش دقت، تمرکز، هماهنگی چشم و دست، قدرت مشاهده و توانایی تصمیم‌گیری در کودکان می‌شود. همچنین مشارکت در فعالیت‌های هنری گروهی، زمینه تقویت مهارت‌های ارتباطی، همکاری، احترام به دیدگاه دیگران و پذیرش تفاوت‌های فردی را فراهم می‌کند و به دانش‌آموزان می‌آموزد که هر فرد می‌تواند نگرش و شیوه بیان هنری ویژه خود را داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش هنر در دوره ابتدایی، پرورش خلاقیت و تقویت قدرت اندیشیدن در کودکان است. خلاقیت توانایی مشاهده مسائل از زاویه‌های متفاوت، ارائه ایده‌های تازه و یافتن راه‌های گوناگون برای بیان و حل مسائل است. کلاس هنر می‌تواند محیطی مناسب برای رشد این توانایی باشد؛ زیرا دانش‌آموزان در جریان فعالیت‌های هنری با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که پاسخ واحد و از پیش تعیین‌شده‌ای ندارند. آنان می‌توانند با استفاده از تخیل خود، ترکیب‌های تازه‌ای از رنگ‌ها و شکل‌ها ایجاد کنند، وسایل ساده را به آثار جدید تبدیل نمایند و برای اجرای ایده‌هایشان روش‌های متفاوتی به کار بگیرند. در چنین شرایطی، وظیفه معلم صرفاً آموزش یک شیوه مشخص یا ارائه نمونه‌ای برای تقلید نیست، بلکه باید با ایجاد فرصت‌های مناسب، دانش‌آموزان را به تجربه کردن، پرسشگری، جست‌وجو و آفرینش تشویق کند.

روش تدریس هنر در مدارس ابتدایی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا چگونگی ارائه مطالب و طراحی فعالیت‌های آموزشی می‌تواند بر میزان علاقه، مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر مستقیم بگذارد. اگر آموزش هنر تنها بر تقلید از نمونه‌های آماده، تکرار فعالیت‌های مشابه و دستیابی به نتیجه‌ای یکسان متمرکز باشد، ممکن است فرصت بروز خلاقیت و استعدادهای فردی کودکان کاهش پیدا کند. در مقابل، استفاده از روش‌های فعال، مشارکتی، تجربی و اکتشافی می‌تواند دانش‌آموزان را به مشارکت بیشتر در فرایند یادگیری ترغیب کند. معلم با بهره‌گیری از بازی‌های آموزشی، مشاهده آثار هنری، قصه‌گویی، فعالیت‌های گروهی، ساخت کاردستی و تجربه مستقیم مواد و ابزارهای مختلف، می‌تواند فضای کلاس را به محیطی پویا و انگیزه‌بخش تبدیل کند. در این محیط، دانش‌آموزان به جای دریافت‌کنندگان منفعل اطلاعات، به افرادی فعال و خلاق تبدیل می‌شوند که در شکل‌گیری تجربه‌های یادگیری خود نقش دارند.شناخت ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان یکی دیگر از ضرورت‌های مهم در برنامه‌ریزی و اجرای آموزش هنر است. کودکان در سنین مختلف از نظر توانایی‌های حرکتی، قدرت تمرکز، درک مفاهیم، تخیل و شیوه بیان احساسات با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین نمی‌توان برای تمام پایه‌های تحصیلی یک روش ثابت و یکسان در نظر گرفت. فعالیت‌های هنری باید متناسب با توانایی‌ها، علایق و نیازهای دانش‌آموزان طراحی شوند تا هر کودک بتواند با توجه به شرایط فردی خود در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشد. برای مثال، دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر ممکن است به فعالیت‌های ساده‌تر مانند رنگ‌آمیزی آزاد، بازی با شکل‌ها و ساخت آثار ابتدایی علاقه بیشتری نشان دهند، در حالی که دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر می‌توانند فعالیت‌های پیچیده‌تری مانند طراحی موضوعی، ترکیب مواد مختلف و ساخت آثار هنری هدفمند را تجربه کنند. توجه به این تفاوت‌ها موجب می‌شود آموزش هنر با نیازهای واقعی دانش‌آموزان هماهنگ باشد و زمینه پیشرفت تدریجی آنان فراهم شود.

نقش معلم در آموزش هنر فراتر از انتقال مهارت‌های فنی و معرفی ابزارهای هنری است. معلم باید بتواند استعدادهای گوناگون دانش‌آموزان را شناسایی کند، اعتمادبه‌نفس آنان را افزایش دهد و فضایی ایجاد کند که در آن هیچ کودکی به دلیل ضعف در مهارت‌های اولیه یا متفاوت بودن اثر هنری خود احساس ناتوانی نکند. تشویق تلاش، توجه به فرایند خلق اثر، احترام به انتخاب‌های شخصی و فراهم کردن فرصت برای بیان آزادانه احساسات از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند علاقه دانش‌آموزان به هنر را تقویت کنند. همچنین معلم باید با مدیریت صحیح کلاس، استفاده مناسب از امکانات موجود و انتخاب فعالیت‌های متنوع، شرایطی فراهم آورد که همه دانش‌آموزان امکان تجربه و یادگیری داشته باشند. در واقع، موفقیت آموزش هنر زمانی تحقق می‌یابد که معلم به جای تمرکز صرف بر زیبایی و کامل بودن محصول نهایی، به میزان تلاش، پیشرفت، خلاقیت و تجربه‌آموزی هر دانش‌آموز توجه کند.

از سوی دیگر، محیط آموزشی و امکانات موجود در مدرسه نیز در کیفیت آموزش هنر تأثیرگذار هستند. وجود فضای مناسب، ابزارهای ساده و ایمن، مواد قابل دسترس و امکان نمایش آثار دانش‌آموزان می‌تواند انگیزه آنان را برای مشارکت در فعالیت‌های هنری افزایش دهد. البته کمبود امکانات نباید به مانعی جدی برای اجرای برنامه‌های هنری تبدیل شود؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های خلاقانه را می‌توان با استفاده از وسایل ساده و مواد دورریختنی مانند کاغذ، مقوا، پارچه، برگ درختان، جعبه‌های خالی و سایر مواد قابل استفاده انجام داد. بهره‌گیری درست از این امکانات علاوه بر کاهش هزینه‌های آموزشی، به کودکان می‌آموزد که با نگاهی خلاقانه به محیط اطراف خود بنگرند و از منابع موجود برای خلق آثار تازه استفاده کنند. همچنین ارتباط دادن فعالیت‌های هنری با موضوعات درسی دیگر می‌تواند به عمیق‌تر شدن یادگیری و افزایش جذابیت آموزش کمک کند.ارزشیابی در آموزش هنر نیز باید با رویکردی متفاوت از شیوه‌های سنتی سنجش یادگیری انجام شود. در این حوزه، مقایسه مستقیم آثار دانش‌آموزان و قضاوت درباره توانایی آنان صرفاً بر اساس زیبایی ظاهری محصول نهایی، نمی‌تواند معیار مناسبی برای تشخیص میزان پیشرفت باشد. توجه به خلاقیت، میزان مشارکت، تلاش فردی، استفاده مناسب از ابزارها، توانایی بیان ایده‌ها و پیشرفت تدریجی دانش‌آموزان از جمله معیارهای مهم ارزشیابی هستند. معلم می‌تواند با مشاهده فعالیت‌های کلاسی، بررسی پوشه آثار، گفت‌وگو با دانش‌آموزان و ثبت مراحل پیشرفت آنان، شناخت دقیق‌تری از توانایی‌های هنری هر کودک به دست آورد. چنین رویکردی موجب می‌شود ارزشیابی به ابزاری برای شناسایی نقاط قوت و نیازهای آموزشی تبدیل شود و دانش‌آموزان نیز به جای نگرانی از اشتباه کردن، با آرامش بیشتری به تجربه و آفرینش بپردازند.

آموزش هنر در دوره ابتدایی فرصتی ارزشمند برای پرورش نسلی خلاق، پرسشگر، توانمند و برخوردار از نگرشی مثبت به زندگی است. توجه به این حوزه می‌تواند به ایجاد تعادل میان آموزش‌های نظری و فعالیت‌های عملی کمک کند و مدرسه را به محیطی تبدیل سازد که در آن استعدادهای گوناگون کودکان شناسایی و تقویت می‌شوند. دستیابی به چنین هدفی مستلزم برنامه‌ریزی اصولی، انتخاب روش‌های مناسب تدریس، توانمندسازی معلمان، استفاده خلاقانه از امکانات و توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان است. امید است مطالب این کتاب بتواند گامی مؤثر در جهت بهبود شیوه‌های آموزش هنر در مدارس ابتدایی بردارد و زمینه‌ای فراهم سازد تا هنر به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تربیت، جایگاه شایسته خود را در نظام آموزشی پیدا کند.

فصل اول

مبانی نظری و اصول آموزش هنر در دوره ابتدایی

آموزش هنر در دوره ابتدایی یکی از ارکان مهم نظام تعلیم و تربیت است که با هدف پرورش استعدادهای نهفته، تقویت توانایی‌های ذهنی و عاطفی و ایجاد زمینه مناسب برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد. هنر از نخستین سال‌های زندگی در تجربه‌های روزمره کودکان حضور دارد و آنان از طریق نقاشی کردن، رنگ‌آمیزی، ساختن اشیا، بازی‌های نمایشی، موسیقی و فعالیت‌های خلاقانه، احساسات و برداشت‌های خود را از محیط پیرامون بیان می‌کنند. این فعالیت‌ها تنها جنبه سرگرمی ندارند، بلکه بخش مهمی از فرایند شناخت، یادگیری و رشد شخصیت کودکان را تشکیل می‌دهند. هنگامی که دانش‌آموزان در فعالیت‌های هنری مشارکت می‌کنند، فرصت پیدا می‌کنند تا آنچه را مشاهده کرده‌اند، به شکلی تازه بازآفرینی کنند و میان تجربه‌های شخصی و آموخته‌های آموزشی خود ارتباط برقرار سازند. از این رو، آموزش هنر باید به عنوان یکی از بخش‌های ضروری برنامه درسی دوره ابتدایی در نظر گرفته شود و برای آن اهداف مشخص، روش‌های مناسب و فرصت‌های یادگیری متنوعی فراهم آید.

مبانی نظری آموزش هنر بر این دیدگاه استوار است که هر کودک دارای توانایی‌ها، علایق و استعدادهای منحصر به فردی است که با فراهم شدن شرایط مناسب می‌توان آن‌ها را شناسایی و تقویت کرد. کودکان در شیوه مشاهده، تخیل، بیان احساسات و خلق آثار هنری تفاوت‌های قابل توجهی دارند و همین تفاوت‌ها موجب تنوع و ارزشمندی فعالیت‌های هنری در محیط مدرسه می‌شود. بنابراین، هدف اصلی آموزش هنر نباید تربیت هنرمندان حرفه‌ای در سنین پایین یا وادار کردن همه دانش‌آموزان به تولید آثار مشابه باشد، بلکه باید زمینه‌ای فراهم شود تا هر کودک بتواند توانایی‌های خود را بشناسد، تجربه‌های تازه کسب کند و از طریق فعالیت‌های هنری به درک عمیق‌تری از جهان دست یابد. در چنین نگرشی، فرایند خلق اثر به اندازه نتیجه نهایی اهمیت دارد و تلاش، تجربه، خلاقیت و پیشرفت فردی دانش‌آموزان از معیارهای اصلی موفقیت آموزشی محسوب می‌شوند.